

« صور اسرافیل » در مثنوی

مهدی سیاح زاده

قیامت روزی است که مردگان بپا خواهند «خاست».
به موجب روایات، این کار چگونه انجام می پذیرد؟ با نوای
صور اسرافیل. پس صور اسرافیل، حیات دوباره می بخشد.
مولوی از نغمه های جانپور اسرافیل در جان انبیاء و
اولیاء سخن می گوید.

انبیا را در درون هم نغمه هاست

طالبان را زآن حیات بی بهاست

۱۹۱۹/۱

اما این آوای جانبخش اسرافیلی در انبیاء و اولیاء، به
گوش همه نمی رسد. زیرا گوش سر، قدرت شنیدن و درک
آن را ندارد. این نغمه های درون انبیاء و اولیاء چه می گویند؟
آن ها که می توانند این پیام ها را بگیرند، انسان هایی که به آن

حدّ از تکامل رسیده اند که می توانند با آدم درون خود ارتباط
ایجاد کنند، می شنوند که این نغمه ها می گویند:

نغمه های اندرون اولیا

اولاً گویند: ای اجزای لا

هین ز لای نفی، سرها بر زنید

زین خیال و وهم، سر بیرون کنید

۱۹۲۵/۱

«لا» در این جا به همان معنی عربی «نه» آمده است. در
واقع «لا» دو معنی کاملاً متضاد دارد. یکی این که به معنی «نبود
بود» و بی خویشی است. یعنی خود را در ذات حق مستحیل
کردن و در حق فنا شدن است. و دیگری همان حرف نفی
است که این جا به کار گرفته شده است. اجزای لا یعنی جهان
ماده که سرانجام «نه» (لا)، یعنی نابود خواهند شد. با این
توضیح می گوید: آوایی که در درون انبیاء و اولیاء بر می
خیزد، به ما می گوید: ای کسانی که جزوی از کل جهان فانی
هستید، از این «لا» ی عدم و نابودی بیرون بیایید. (سرها برزنید)
و این وهم و خیال را که از این جهان فانی دارید رها کنید.

ای همه پوسیده در کون و فساد

جان باقی‌تان نروید و نزاد

۱۹۲۷/۱

«ای کسانی که مدام دوره های کَوْن و فساد را طی طریق می کنید، هنوز جان های فناناپذیر شما (= جان های باقی = جان هایی که باقی می مانند)، رشد نکرده و ثمر نداده است (نروید و نزاد). هنوز به تولد دوباره نرسیده اید. هنوز این سخن عیسی مسیح در شما تحقق نیافته است که: «به ملکوت نرسد هر که دوباره زاده نشود.» (تمهیدات - صفحه ی ۱۲ - به نقل از کتاب شرح جامع مثنوی معنوی - استاد کریم زمانی - صفحه ی ۵۹۹)

کَوْن و فساد یک اصطلاح فلسفی و عرفانی است که می گوید: همه ی عناصر مادی در حال تغییر و تبدیل هستند. هر عنصر مادی در این طبیعت در طول زمان تغییر می یابد و به شکل دیگری تجلی پیدا می کند. حالا مولوی با توجه به آنچه در مورد اسرافیل و روز رستاخیز حرف می زند، می گوید: انسان همواره این تغییر و تبدیل اشیاء در روی زمین را می بیند و هشیار نمی شود. می بیند که آهن زنگ می زند و استحکام خود را از دست می دهد، می بیند انسان می میرد و

تبدیل به خاک می شود، تغییرات فصول و هوا و غیره را می بیند و باز هم به هوش نمی آید. این تغییر و تبدیل های وجود در کره ی خاکی، باید انسان را از خواب غفلت برهاند و «تولد دوباره» در او پدید بیاورد. اگر این تولد دوباره را به دست آوردی، آن وقت است که نغمه های «اسرافیل وش» پیامبران و اولیاء را خواهی شنید:

هین که اسرافیل وقتند اولیا

مرده را زیشان حیات است و حیا

۱۹۳۰/۱
